



قطعا تمام ایرانیان بارها و بارها تصاویر خروج شاه را که عمدتا در ۲۶ دی‌ماه و دهه فجر هر سال از تلویزیون پخش می‌شود، به نظاره نشست‌ه‌اند. مردم هرگز نگاه‌های آخر شاه را که به تلاش فراوان جلوی فروریختن اشک‌هایش را می‌گیرد فراموش نخواهند کرد؛ هرچند تلاش‌های وی نتوانست جلوی فروریختن حکومتش را بگیرد. شاید پاسخ به این پرسش که چرا شاه مجبور به فرار از کشور شد، بدیهی بنماید و آن پاسخ انزجار مردم از وی باشد اما با تدقیق در سیر حوادث منجر به این فرار می‌توان نقش برخی حوادث را برجسته‌تر یافت.

■ **مهم‌ترین حوادث منجر به خروج شاه**

با شکل‌گیری نهضت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) در اوان دهه ۴۰ شمسی، سیر حوادث به گونه‌ای بود که به رغم نوسانات روپنایی، هرگز به سمت تحکیم پایه‌های قدرت پهلوی دوم پیش نرفت. هرچند سرکوبگری شاه در بدو نهضت توانست با گرفتن زهر چشم از لیبرال‌هایی چون جبهه ملی و نهضت آزادی آنان را تا سال‌ها به انزوا بکشاند اما فشارها بر امام نتیجه معکوس داد و ادامه رفتارهای ضد اسلامی و ضد انسانی رژیم ایشان را در مسیر خود مصمم‌تر کرد. نتیجه سال‌ها آگاهی بخشی و افشاکاری امام، احیای مجدد نهضت اسلامی در سال ۵۶ بود. شاه هرچند خود را از پشتوانه مردم تهی می‌دید اما به محل انکابی چون آمریکا و ارتش دل‌خوش داشت و با همین پشتوانه به سرکوب خونین نهضت پرداخت. وی سال ۵۶ و ماه‌های ابتدایی ۵۷م فوج از برج عاج و به سانی تحقیرآمیز نهضت اسلامی را خطاب قرار می‌داد و حتی به قلم رشیدی مطلق مستعار، پیشوای فرزانه نهضت را به سخره گرفت اما به فاصله ۵ ماه مانده به پیروزی انقلاب حادثه‌ای ورق را برگرداند و با در هم شکستن هیمنه شاه، زمینه فرار او را فراهم آورد.

■ **حادثهٔ نخست؛ حمله به مساجد**

نگاهی گذرا به احوال و مواضع شاه پیش از جنایت ۱۷ شهریور و پس از آن گواه تغییر شگرفی است. مشت آهنین رژیم علیه هزاران نفر از افرادی که حتی به هنگام خروج از خانه‌هایشان از اعلام دیر هنگام حکومت نظامی ناگاه بودند نهایتا بر سر خود شاه فرود آمد. خون شهدای ۱۷ شهریور که تعداد آنان حتی تا چند هزار نفر نیز برآورد شده است سرریزداما لسان شاه را گرفت و پس از آن بود که شاه با «تغافل» قرین گشت. شکست طرح آشتی ملی

نگاهی به سیر حوادث منجر به پیروزی انقلاب اسلامی

چرا شاه مجبور به فرار شد؟

■ محمدعلی صدرشیرازی

قبل سر دادند. اخبار این تظاهرات در صدر اخبار مهم جهان قرار گرفت. سازماندهی فوق‌العاده تظاهرات و نیز کمیت حاضران ۲ نکته‌ای بود که بیش از سایر مسائل توجه سفیر انگلستان را که از پنجره سفارتخانه به تظاهرات مشرف بود، جلب کرد: «اهپیمایی تاسوعا و عاشورا از نظر عظمت و انضباط و یکپارچگی، نمونه و بی‌سابقه بود… هر دو روز من از ساعت ۵ صبح تا وقت ناهار، پشت پنجره اتاق خود صوف راهپیمایانی را که از خیابان فردوسی می‌گذشتند، نظاره می‌کردم. در مدت ۳ تا ۴ ساعت عرض این خیابان و پیاده روها مملو از جمعیتی بود که برای پیوستن به صفوف سایر راهپیمایان در حرکت بودند. سیل جمعیت تا آنجایی که چشم آدم‌کار می‌کرد موج می‌زد. این خیابان فقط یکی از مسیرهای راهپیمایی بود…»^(۱)

به مناسبت راهپیمایی‌های بزرگ تاسوعا و عاشورا، حضرت امام پیامی بسیار مهم صادر کردند و در آن پیام، راهپیمایی‌های اخیر را همه‌پرسی بزرگ ملت ایران ضد رژیم شاه نامیدند. ایشان در بخشی از پیام خود فرمودند: «به عموم ملت شجاع ایران صمیمانه درود می‌فرستم… این تظاهرات، راه عذر و بهانه را از همه کس و همه دولت‌ها سلب کرد و آنها دیگر نمی‌توانند ادعا کنند شاه، قانونی است…»^(۲) اما علاوه بر ویژگی‌های خود این تظاهرات، آنچه آن را نقشی مضاعف در تاریخ بخشید موقعیت زمانی آن بود. شاه پس از نومیذی از راهکارهای سرکوب‌گرانه به عوام‌فریبی از طریق به قدرت رساندن شریف‌امامی و یکسری آزادی‌های غیربنیادین پرداخت ۱۷ شهریور، این نسخه به دست خود رژیم در هم پیچید. در ادامه حرکات ژانوسی رژیم، شاه سرخورده از حربه «آشتی ملی»، استفاده از یک دولت سرکوبگر نظامی را به عنوان آخرین کورسوی امید خود در دستور کار قرار داد و ژنرال ازهرای را به قدرت رساند. بلافاصله پس از انتصاب ازهرای، کشتار مردم اوج گرفت و تنها در روزهای نخست دولت وی، تعداد بسیاری در شهرهای آبدان، اهواز، بهبهان، مشهد، اصفهان، ساری، نجف‌آباد، همدان، زنجان، کرمانشاه، بابل و آمل به شهادت رسیدند.^(۳) اما موج انقلاب به حدی کوبنده بود که ازهرای را نیز به انفعال کشاند. ازهرای نیز همچون شخص شاه در عوض پذیرفتن حقایق جامعه به سرپوش گذاری بر آن پای می‌فشرد که ماجرای معروف «نوار» جلوه دادن صدای شعاردهندگان در «رنگ» جلوه دادن خون شهدا گوشه‌ای از آن بود. در همین بحبوحه، راهپیمایی میلیونی تاسوعا و عاشورا از این روی تاریخ‌ساز شد که تاگار آمدی سرکوب را عیان کرده و نابودی آخرین شناس شاه برای ماندن را رقم زد. سولیان، سفیر آمریکا در تهران نیز معتقد بود دولت ژنرال ازهرای، آخرین شانس بقای رژیم بود و با این راهپیمایی‌ها و تظاهرات، در واقع عمر دولت ازهرای به سر آمد و به تبع آن وی توانست صحت دیدگاه را خود به کارتر در زمینه مذاکره با مخالفان شاه و زمینه‌سازی برای خروج شاه اثبات کند.^(۴)

■ **حادثهٔ سوم؛ کنفرانس گوادلوپ**

برخلاف برخی تحلیل‌های عموما لیبرال، در نفس پیروزی انقلاب اسلامی، رهبری داده‌بان امام خمینی(ره) و لیبک عاشقانه و آگاهانه مردم ایران بود که بیش و پیش از هر عاملی تاثیرگذار بود. اما در

نگاهی به بحران سوریه از دریچه نگاه روسیه



آسیا (عراق و بویژه سوریه) و نه تمام اروپای شرقی (بلکه تنها اوکراین) در این چارچوب قرار می‌گیرند به طوری که در مجموع در حال حاضر مشخصاً تنها کمربند شکننده بالفعل محدوده عراق و سوریه بوده و فعلیت سایر نوارهای شکننده به تلاش‌های غرب برای نفوذ در این مناطق بستگی دارد (چنانکه پیش‌تر مشکلات اوکراین، منطقه را تا استانه جنگی تمام عیار و تبدیل به نواری شکننده پیش برد، در)

مقدمتای فرار شاه و خانواده‌اش از ۲۴ دی‌ماه مهیا شد و هائیز، فرستاده آمریکا توانست موافقت ارتشیان را با این امر جلب کند. ۲۶ دی بختیار از مجلس برای کابینه‌معلوم‌الحال خود رأی اعتماد گرفت. شاه‌مغموم به همراه «شهبانو» و ۳ فرزندش- پسر بزرگ شاه از قبل در خارج بود- به سمت فرودگاه مهرآباد رهسپار شد. هواپیمای جموجیت ۷۲۷ با تجهیزات کامل از روزهای قبل مهیای فرار شاه بود. حدود ساعت ۱۲ ظهر ۷ فروند هلی کوپتر در فرودگاه نشستند که یکی از آنان حامل شاه و خانواده‌اش بود. بختیار، سرمست از قدرت به بدرقه شاه آمده بود. طنز عبرت‌آموز آنکه بجای بختیار، شاه ساعتی منتظر ماند تا بختیار سر برسندا شاه در مصاحبه کوتاهی که آخرین جملات وی در ایران بود نیز از کزی برهیزی نداشت و علت سفر خود را خستگی و استراحت دانست و از وطن‌پرستی(!) و دلسوزی خود برای مردم(!) سخن راند. شاه که اندکی قبل فریاد می‌زد «هیچکس قادر به سرنگونی من نیست چون ۷۰۰ هزار پرسنل نظامی، همرا با همه کارگران و اکثر مردم ایران پشتیبان من هستند»^(۵)، به سختی مانع گریستن خود شده بود و برای آخرین بار با تشریفات بدرقه از جمله دستبوسی وی، به سمت سرنوشتی نه چندان نامعلوم که تالی بیش از نیم قرن ستمکاری رژیم پهلوی و ریختن خون هزاران تن از مردم ایران‌زمین برایش رقم خورده بود، پرواز کرد. روزنامه اطلاعات تیتز زد: شاه رفت. موجی از شادی فراموش‌ناشدنی در کشور به راه افتاد. مردم با در دست داشتن روزنامه، عکس امام و گل‌های گلایل پیروزی خود را بر رژیم و آمریکا جشن گرفتند.

پی‌نوشت

- آخرین سفر شاه، ویلیام شوکراس، ترجمه عبدالرحمن هوشنگ مهدوی، صص ۱۶- ۱۵
- شکست شاهانه - ماروین ژوئیس - ترجمه عباس مخبر - ص ۲۷
- خاطرات ۲ سفیر، ترجمه محمود طلوعی، علم، تهران، ۱۳۷۵، ۲۹۲
- صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۲۱
- ن شکست سقوط شاه، فریدون هویدا، اطلاعات، ۱۳۸۸، ص ۱۷۷
- رک زینگیو برژینسکی، اسرار سقوط شاه و گروگانگیری، ترجمه: حمید احمدی، تهران، جامی، ۱۳۶۲

- ابراهیم یزدی، آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها، ص ۷۹
- سقوط شاه، پیشین، ص ۱۱

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

می‌کند. موضوعی که پیش‌تر ترکی‌ها با تامین بخشی از سسبد انرژی اروپا از طریق خط لوله «باکو» کام روس‌ها را تلخ کرده بودند(این خط لوله از مناطق خزر و قفقاز سرچشمه می‌گیرد). از این رو روس‌ها خوش‌نارند «کریدر ژئواکونومیک سوریه»(از طریق طرح‌های تجزیه سوریه تکرار شود. لازم به ذکر است پس از فروپاشی شوروی، شراکت استراتژیک روسیه در زمینه تامین انرژی اتحادیه اروپایی (حدود ۳۰ درصد گاز) نقش مهمی در احیای مجدد این کشور در عرصه بین‌الملل داشته است. اهرمی که علاوه بر منافع فراوان اقتصادی، بارها در پیشبرد تلاش‌ها سیاسی روس‌ها برابر رقبا موثر افتاده و تنها با انحصار و ممانعت از ورود سایر رقبا به این بازار (گاز اروپا) توأمند خواهد ماند. کشورهای غربی احساس ناامنی روسیه را از استراتژی گسترش حوزه ژئواستراتژیک خود دست کم گرفته‌اند. درست است در سال‌های اولیه فروپاشی شوروی، روسیه تضعیف شده رسماً اعتراضی به اینگونه اقدامات نمی‌کرد اما یک قدرت بزرگ نمی‌تواند همواره دربارہ اینگونه تحولات بی‌تفاوت باشد. حال در جریان بحران سوریه، به عنوان یکی از مناطق نفوذ سنتی این کشور و حضور مستقیم و موثر این کشور در این جنگ، سوریه عملاً به میدان رقابت قدرت‌ها و یک کمربند شکننده فعال مبدل شده است. عرصه‌ای که تا این زمان بزرگ‌ترین و جدی‌ترین بستر روپارویی روسیه و غرب بوده است.

■ **دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی**

تاریخ مشروطه

■ دکتر موسی نجفی



در مرتبه اول، از استعمار غرب در کشورهای شرقی و بویژه اسلام و ایران انتقاد و به علل مهم توجه کرده‌اند. در این مورد، هر یک به تناسب عقیده و دیدگاه و موضع خود، ابعاد فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را اولویت می‌داده‌اند.

در مرتبه دوم که گروه کمتری بدان رویه توجه کرده و گفته‌اند که بین شعائر انسان دوستانه و قانونمند و آزادی‌خواهانه غرب با استعمار و جنایات آن در شرق، تناقضی وجود داشته و دارد، در این تناقض ظاهری به این نکته مهم رسیده‌اند که این اختلاف، جلوه‌ظاهری داشته و در باطن خوی این تمدن و تفکر، همان عصیان و تجاوز و ستم بر انسان‌های دیگر است. و اما در مرتبه سوم که باز تعداد محدودتری را در سده اخیر شامل می‌شود، عده‌ای به این نکته پی برده‌اند که باید به ذات و ماهیت درونی فلسفه و فرهنگ غربی و ریشه‌های اولیه آن توجه کرد؛ و با توجه به این ریشه‌یابی است که به تنافر و تمایز جدی این فرهنگ و تمدن با فرهنگ و تمدن اسلامی حکم قطعی داده‌اند. در این مرتبه و سطح شناسخت نقادانه از غرب، به‌رغم جلوه‌های طلایی و درخشنده مادی و تجدد و ترقی و تسلط بر طبیعت در غرب با ابزار تکنولوژی، در نهایت ضعف‌های اساسی و نقاط ابهام و تاریک آن مدنظر گرفته و گفته شده است که این جنبه‌ها و نقایص جدی در پایان به نابودی و ویرانی و انحطاط آن جنبه‌های پیشرفت و خیره‌کننده می‌انجامد. و لذا افرادی که در این مرتبه قرار گرفته‌اند، در ابتدای تماس و مواجهه، به‌طور جدی با احتیاط، واقع بینی، سنجش و انتخاب به سراغ تمدن و فرهنگ غربی رفته، تزریق نفوذ همه ابعاد آن را به جامعه اسلام و ایران، فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر می‌نابودی همه دستاوردهای چندین ساله فرهنگ و ارزش‌های اسلامی تلقی می‌کرده‌اند.

■ **نتیجه‌کلی**

اگر بخوایم مطالب عنوان شده را یک خط مرزی معین به عنوان نتیجه بحث مشخص کنیم، باید بگوییم بین جریان و اندیشه مذهبی و سکولاریسم این خط تفاوت از مشروطه در امروز وجود دارد که در یک طرف مذهب در ذات زندگی، آرمان‌ها، اهداف و اصول اجتماعی و فکری و سیاسی، حضور جدی و تعیین‌کننده و پررنگ داشته و دارد و در طرف دیگر گرایش سکولار، مذهب یا حضور جدی نداشته یا وسیله‌ای برای غایتی دیگر بوده یا اینکه حضور کمرنگ داشته است. در نگاه عمیق تر، مذهب برای این تمدن که موازات عنصر با‌عنصری دیگر توجیه و تفسیر و تحلیل می‌شده و می‌شود. در حقیقت در گرایش سکولار، مذهب نه هدف و آرمان بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به لیبرالیسم و اصول غربی است.

با توجه به این جمع‌بندی‌ها و مقدمات و اصول و عناوین مطرح شده، باید این نکته مهم را یادآور شد که مساله لیبرالیسم و روشنفکری و سکولاریسم و نفوذ و رخنه پیچیده آن، بویژه در بعد تهاجم و مقابله فرهنگی، مساله‌ای است که باید آن را جدی گرفت؛ غفلت یا تغافل از آن، به قیمت نابودی اصالت‌ها و ارزش‌های زیادی تمام خواهد شد.

با توجه به سیر تاریخی این مساله از ۱۰۰ سال قبل تا به امروز و فراز و نشیب‌ها و تحولات مهمی که در اثر قیام تنباکو، انقلاب مشروطیت، نهضت نفت و نهضت بزرگ ۱۵ خرداد رخ داده و همچنین تغییرات عمده دستگاه حکومتی بر پایه فکری و مبنایی جداگانه مانند تغییر سلطنت اقلاریه به پهلوی و از قالب سلطنت استبدادی به جمهوری اسلامی، می‌توان بخوبی نقاط اشتراک و ریشه‌ها و مبنای کلی هر یک از ۲ تفکر دینی و سکولار را در قالبی قانونمند بررسی نمود؛ حاصل این جمع‌بندی تلاشی بود که این کتاب سعی در ارائه آن داشته و کاستی‌ها و نقایص آن را ان‌شاءالله خوانندگان بصیر بر نویسنده خواهند بخشید. پایان

منبع: کتاب مشروطه‌شناسی، نشر آرما

با توجه به سیر تاریخی این مساله از ۱۰۰ سال قبل تا به امروز و فراز و نشیب‌ها و تحولات مهمی که در اثر قیام تنباکو، انقلاب مشروطیت، نهضت نفت و نهضت بزرگ ۱۵ خرداد رخ داده و همچنین تغییرات عمده دستگاه حکومتی بر پایه فکری و مبنایی جداگانه مانند تغییر سلطنت اقلاریه به پهلوی و از قالب سلطنت استبدادی به جمهوری اسلامی، می‌توان بخوبی نقاط اشتراک و ریشه‌ها و مبنای کلی هر یک از ۲ تفکر دینی و سکولار را در قالبی قانونمند بررسی نمود؛ حاصل این جمع‌بندی تلاشی بود که این کتاب سعی در ارائه آن داشته و کاستی‌ها و نقایص آن را ان‌شاءالله خوانندگان بصیر بر نویسنده خواهند بخشید. پایان

منبع: کتاب مشروطه‌شناسی، نشر آرما



@vatanemrooz

در شبکه‌های اجتماعی